

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده

شهر اسن - المان

## مشعل تدبیر

میهن که سرا پا ، همه ویران شده باشد  
از راکت و خمپاره و ، هاوان شده باشد  
هر ناخلفی ، آمد و تخریب وطن کرد  
با جور و جفا های فراوان شده باشد  
خود خواهی که در دامن مادر شده بالغ  
ماری که نهان بود ، نمایان شده باشد  
از شیر حلالی که ، مکیدست ، شب و روز  
ای وای اگر دشمن پستان شده باشد  
تا شیوه راه رفتن و ، حرف و سخن آموخت  
با خالق خود ، دست و گریبان شده باشد  
هرکس به هوای دل خود ، چور و چپاول  
بنموده و ، بر هرسو ، گریزان شده باشد  
آثار وطن ، سرقت و در داخل لندن  
قاچاق ، که با حجت قرآن شده باشد

ایقان به فغان آید و ، ایمان ، گریزان  
مُلائی اگر همدم شیطان شده باشد  
گه نوکر انگلیس و ز امریکه و گه روس  
روز دگر از چین و ز جاپان شده باشد  
در ریش اجانب منما ، لانه چو ابلیس  
آخوند و سیاست ، فن **ایران** شده باشد  
هرگز نخورم دال ، که **پرویز مشرف**  
دیوانه ز زنجیر ، پاکستان شده باشد  
بارقصک و باقرسک و با دُهل مداری  
انتر که به شاکاسه دلنگان شده باشد  
حرف و سخن مفت و ، جفنگ گفتن بسیار  
مؤمن همه از دین ، گریزان شده باشد  
از طالبه و طالب و سربسته گریزان  
گر مفسدی نطق و سخنران شده باشد  
صد پاره شود سینه چوپان وفا دار  
گُرگی اگرش ، وارد میدان شده باشد  
خونابه چکد از جگر و از دل مادر  
آن لحظه که فرزند به زندان شده باشد  
ما ، در غم جانانه و جانان به غم غیر  
پُر ، دامنم از لؤلؤ و مرجان شده باشد  
با جامه تزویر ، سر و کار نداریم  
حتا که دم عمر ، به پایان شده باشد  
پیمانۀ وحدت ، سر بازار بنوشیم  
گر منع ، به تورات و ، به فرقان شده باشد  
جانیکه فدا می نشود ، در ره جانان  
خاریست که در پایک ، طفلان شده باشد

ای اشرفِ مخلوق چه در جنگ و جدالی  
آیینهٔ دل ، مظهرِ رحمان شده باشد  
با آبِ یقین ، پاک کن از گرد و غبارش  
تا جلوه گر آنجا ، رُخِ جانان شده باشد  
تفسیر کنم آیهٔ تصویرِ جمالش  
گر طرهٔ گیسوش ، پریشان شده باشد  
تنویر شود عالمِ امکان به مهارت  
بس مشعلِ تدبیر ، فروزان شده باشد  
فرشِ قدمِ دوست ، حریرِ دل « نعمت »  
از لطف ، اگر یک شبی مهمان شده باشد